

توصیف واکه ها در گویش لمزانی و مقایسه ی آن با فارسی معیار

محمد صالح ارزن کار*

زهرا انصاری**

جواد دهقانی***

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۰۸

چکیده

گویش لمزانی، گویشی متداول در قسمت مرکزی بخش مهران است که در شمالی ترین محدوده ی شهرستان بندرلنگه، جنوب شرقی بستک و محدوده ی غربی بندرخمیر واقع شده است. مردم شهر لمزان و سیزده روستای همجوار در مرکز بخش، گویشوران این گویش هستند. پژوهش حاضر به بررسی و توصیف واکه های این گویش در تقابل با فارسی معیار می پردازد. در این مقاله، با استفاده از جفت های کمینه و به دست دادن مثال های واجی در سه موضع آغازی، میانی و پایانی، واکه ها بررسی و توصیف شده اند. برآیند این تحقیق مبین این نکته است که علاوه بر تمایزاتی در مبحث واکه های مرکب، در مقابل شش واکه ی ساده در زبان فارسی معیار، این گویش دارای یازده واکه ی ساده است که در سه دسته ی کوتاه، بلند و کشیده دسته بندی می شوند.

کلید واژه: گویش لمزانی، فارسی معیار، واج، واکه های ساده، واکه های کشیده، واکه های مرکب.

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازان. arzankar62@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازان. Ansari_Zahra@yahoo.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازان. Mirjavad2003@yahoo.com

۱- مقدمه

لمزان مرکز بخش تازه تأسیس «مهران» از توابع شهرستان بندرلنگه است که در محدوده ی شمال شرقی شهرستان بندرلنگه، جنوب شرقی شهرستان بستک و غرب شهرستان بندرخمیر واقع شده است. در بخش مهران به طور کلی سه گویش وجود دارد؛ در قسمت مرکزی بخش شهر لمزان و سیزده روستای کوچک و بزرگ به گویشی تکلم می کنند که از

نواحی شرقی و غربی بخش متمایز است و ما آن را به اعتبار مرکز بخش مهران، «گوش لمرانی» می‌نامیم. این گوش هم با گوش جنوب فارس موسوم به «دری لارستانی» علی «آجمی» هم خانوادگی و قرابت دارد و هم به گوش قسمتی از غرب هرمزگان شبیه است.

تاکنون هیچ‌محقق دربارۀ گوش و فرهنگ این منطقه پژوهش یا حتی اظهار نظر نکرده است؛ هرچند با وجود جدا شدن جغرافیایی لمران از لارستان چنین به نظر می‌رسد که باید زیر مجموعه ی گوش‌های هرمزگان باشد؛ اما شباهت‌های ظاهری و ساختاری بسیار با خانواده ی گوش‌های لارستانی در بسیاری جهات، ایجاب می‌کند آن را به عنوان یکی از گوش‌های ناشناخته و معرفی نشده از خانواده ی گوش‌های لارستانی فرض کنیم. با وجودی که این گوش هیچ‌گاه مطالعه و معرفی نگردیده و نیز زیر مجموعه ی خانواده ی گویشی خاصی قرار داده نشده است، اما می‌توان با پژوهش ودقت در ساخت‌های آوایی و صرفی آن و تجزیه و تحلیل داده‌ها به نتیجه‌ای متون رسید؛ پژوهش‌هایی از این دست اگر به صورت علمی صورت پذیرد، می‌تواند گام‌های مؤثری برای شناساندن این گوش بردارد و مشخص سازد این گوش، گویشی مستقل یا زیر مجموعه‌ای از گوش‌های اطراف است.

2- اهمیت و ضرورت تحقیق

در استان هرمزگان به دلیل موقعیت خاص استراتژیک اقتصادی، مجاورت و آمد و شد مکرر با کشورهای حوزه ی خلیج فارسو نیز محرومیت روستاها و معضل کم آبی و بارش بسیار کم باران و به تبع آن رغبت به شهرنشینی روستائیان، مسئله‌ی صیانت از گوش‌ها بیش از پیش مهم می‌نماید؛ چه اینکه در روند روبه رشد فناوری ها و فراگیری زبان معیار و نیز تغییرات گسترده در بخش فرهنگ، زندگی اجتماعی و روند اقتصادی، عامل وحدت بخش نواحی و قومیت‌ها را که گوش محلی می‌باشد، در معرض زوال و نابودی قرار داده است. در بخش مهران و شهر لمران نیز به تبع متروک ماندن شیوۀ زیستن قدیم و روی آوردن به فرهنگ زندگی شهرنشینی، خصوصاً اهتمام بسیاری از خانواده‌ها به تکلم با خردسالان به زبان فارسی معیار و سعی در همراه کردن خ و د با فرهنگ روز جامعه و جهان، گوش و فرهنگ محلی در معرض بی‌توجهی و آسیب پذیری قرار گرفته است که اقتضا می‌نماید توجّهی جدی به این گنجینه ی با ارزش و اصیل که معرف واقعی فرهنگ جامعه می‌باشد، صورت گیرد.

یکی از موارد مهم و ت اثیر گذار در زوال لهجه ها و گوش‌ها که کمتر به چشم می‌آید، قرض‌گیری واجی (phonological borrowing) است. «قرض‌گیری واجی روندی است که طی آن عناصر والگوهای آوایی یک زبان به زبان دیگر وارد می‌شوند، و در نتیجه در نظام آوایی زبان قرض‌گیرنده تغییراتی ایجاد می‌کنند. واژه‌های قرضی معمولاً با قواعد آوایی و ویژگی تلفظی زبان قرض‌گیرنده، انطباق پیدا می‌کنند و به این ترتیب رنگ غیر بومی خود را از دست می‌دهند.» (مدرسی، 1391: 94) با توجه به این مهم، یعنی قرض‌گیری واجی و تأثیر آن بر نظام آوایی زبان و آسیب پذیری این گوش زنده ی بومی، در این تحقیق به بررسی و توصیف یکی از مباحث های مهم واجی، یعنی واکه‌ها در گوش لمرانی می‌پردازیم.

3- شیوهی تحقیق

از آنجا که پیرامون گویش مذکور هیچ گونه مطالعه ای -چه به صورت چاپی و چه به صورت الکترونیکی- انجام نشده است و هیچ منبعی در این باره موجود نمی باشد، این تحقیق به صورت میدانی انجام گرفته است و با وجودی که پژوهشگر، خود از گویشوران بومی محسوب می شود و طی ده سال به ثبت و ضبط داده های گویشی اهتمام ورزیده است، اما برای سنجش بهتر و بالابردن دقت پژوهش، از گویشوران اصیل و مدرسه ندیده اعم از کهنسال و میانسال و نیز تعدادی گویشور میانسال آشنا به لغت و شمع زبانی، برای تلفظ دقیق و تصحیح خطاهای احتمالی استفاده شده است. در نهایت پژوهشگر، برای تجزیه و تحلیل داده ها از دانش زبانی خود به ره برده است. برای این منظور، با استفاده از جفت های کمینه و به دست دادن مثال ها در مواضع آغازی، میانی و پایانی واژه، واکه ها بررسی و توصیف شده اند. چون این گویش فاقد خط نوشتاری است، بنابراین مثال های استفاده شده در این پژوهش به صورت واج نویسی ارائه شده اند.

4- توصیف واکه ها

به آوایی که «در گذر از اندام های گویایی به آن چنان مانعی از نوع انسدادی، سایشی، غلطان، کناری و غیره برخورد نکند که در نتیجه ی آن، آوای تازه ای بدان افزوده شود» (حق شناس، 1392: 73)، واکه گفته می شود. مهم ترین عضو در تولید واکه ها، زبان است؛ از آن رو که مشخصه ی مهم تمایز واکه ها یعنی پیشین و پسین بودن و نیز باز و بسته بودن واکه ها به عامل زبان بستگی دارد (ثمره، 1392: 84). واکه های این گویش را می توان به دو دسته ی ساده و مرکب تقسیم کرد.

4-1- واکه ساده

«هرگاه در طول تولید یک واکه، اندام های گویایی در یک حالت بمانند، به طوری که در تمام مراحل تولید، شکل لب-ها و ارتفاع و حالت زبان یکسان بماند آن واکه را ساده می نامند.» (حق شناس، 1392: 105). در زبان فارسی بنا به تلفظ رایج مرکز کشور شش واکه ی ساده یا بسیط وجود دارد. این واکه ها عبارت اند از: سه واکه ی پیشین: آ (a)، ای (e)، اِی (i)؛ سه واکه ی پسین: آ (ā)، اُ (o)، او (u). این واکه ها به دو دسته ی «کوتاه» و «بلند» تقسیم می شوند (باقری، 1392: 105).

گویش لمزانی در مبحث واکه ها از فارسی معیار متمایز است. همانطور که بیان گردید در فارسی معیار شش واکه ی ساده موجود است، در حالی که در این گویش 11 واکه ی ساده وجود دارد: سه واکه ی کوتاه، پنج واکه ی بلند و نیز چهار واکه ی کشیده که با فرآیند کشش جبرانی تولید می شوند. واکه های کشیده که حاصل حذف همخوان های چاکنایی است و نیز دو واکه ی بلند در این گویش، آن را به نحو خاصی متفاوت نموده است.

4-1-1- واکه های کوتاه

/a/

(پیشین، باز، گسترده، کوتاه)

«هنگام تولید این واکه، فاصله ی جلوی زبان تا سخت کام حدود دو برابر مسافتی است که برای تولید /e/ لازم می - باشد. برجستگی زبان اندک، و در واقع به صورت یکانقباض از جلو به عقب، در بدنه ی زبان ظاهر می شود. کناره های زبان با دیوار داخلی دندان های پایین تماس دارد و نوک آن اندکی به عقب کشیده شده و در پشت دندان های پایین قرار می - گیرد، فاصله ی بین دندان های بالا و پایین در قسمت جلو و فاصله ی لب ها از یکدیگر به حدود دوسانتیمتر می رسد، شکل لب ها گسترده ی باز است.» (ثمره، ۱۳۹۲: ۹۳)

تفاوتی بین این شیوه ی تولید و تلفظ در گویش لمزانی و زبان فارسی به چشم نمی خورد. همچنین مشخصه ی واکه آن، لرزش تار صوتی و واکبری است.

/a/ در تقابل با /ā/ : bar (ثمره) ← bār (بار)

در مواضع ابتدایی		در مواضع میانی		در مواضع پایانی	
/ʔassok/	هسته	/Pal/	پر	/Kesa/	کیسه
/ʔallek/	آویزان	/Čilak/	چیره	/Para/	پاره

/e/

(پیشین، نیم باز، نیم گسترده)

«اندام های سازنده ی این واکه، بخش پیشین زبان و سخت کام هستند. فاصله ی جلوی زبان و سخت کام، هنگام تولید این واکه، دو برابر فاصله ای است که برای تولید /i/ لازم است. فاصله ی دندان های بالا و پایین حدود یک سانتیمتر است. نوک زبان در پشت دندان های پایین قرار می گیرد. نرم کام در موقعیت بالاست. تارهای صوتی در موقعیت تولید واک قرار دارند و لب ها به شکل نیم گسترده در می آیند.» (ثمره، ۱۳۹۲: ۸۹).

در این گویش، واک مذکور همانند زبان فارسی تولید می شود. از وجوهات تمایز گویش لمزانی با فارسی معیار، وجود نداشتن واکه ی /e/ در موضع پایانی واژه است. در فارسی معیار اسم ها و صفات مفعولی مختوم به /e/ هستند؛ حال آنکه در گویش لمزانی حرکت پایانی اسم ها و صفات هیچ گله به /e/ ختم نمی شود، بلکه مختوم به /a/ است.

/e/ در تقابل با /i/ : xer (گلو) ← xir (خور)

در مواضع ابتدایی		در مواضع میانی		در مواضع پایانی	
/ʔex/	صوت نهی	/Heš/	شپش	/Peleng/	غلت
/ešow/	امشب			-----	-----

/o/

(پسین، نیم باز، نیم گرد، کوتاه)

برای تولید این واکه ، عقب زبان به طرف نرمکام بالا می رود و در فاصله ای از آن قرار می گیرد که تقریباً دوبرابر مسافتی است که بین این دو عضو هنگام تولید /u/ وجود دارد. بخش پیشین زبان اندکی به طرف عقب کشیده می شود. فاصله ی دندان های بالا و پایین حدود پنج میلیمتر است. شکل لب ها جلو آمده و گرد است، منتهی مقدار جلو آمدگی کمتر از /u/ ولی دایره ی لب ها وسیع تر از آن است. نرمکام راه عبور هوا را از مسیر بینی مسدود می سازد. تارهای صوتی در موقعیت تولید واک قرار می گیرند (همان: 94).

در گویش لمزانی نیز به همین شیوه تولید و تلفظ می شود. از نظر کاربرد، این واکه در میانه ی واژه، پربسامدترین است. ابتدای واژه کاربرد بالایی ندارد و در پایان واژه تنها در واژه هایی معدود و انگشت شمار، حرکت پایانی محسوب می شود.

/o/ در تقابل با /u/: xonj (سطحی مدور و چوبی برای پهن کردن آرد خمیر) ← xun (خون)

در مواضع ابتدایی		در مواضع میانی		در مواضع پایانی	
/ʔoštɔr/	آن یکی	/Toromb/	تنه ی نخل	/Ko/	که
/ʔontey/	شتر	/Komb/	قوز	/Xo/	خب

4-2-1- واکه های بلند

/ā/ آ

(پسین، باز، گرد، کشیده، بلند)

هنگام تولید این واکه، در بخش پسین زبان یک برآمدگی جزئی پدید می آید. مسافت بین عقب زبان و نرمکام حدوداً دوبرابر مسافتی است که بین این دو عضو موقع تولید /o/ وجود دارد. بخش پیشین زبان آزاد است و کناره های آن مماس بر دیواره ی داخلی دندان های پایین می باشد. فاصله ی بین دندان های بالا و پایین در قسمت جلو در حدود دو سانتیمتر است. لب ها اندکی جلو آمده به شکل بیضی گونه ای در می آیند و حداکثر فاصله ی آنها از یکدیگر به حدود دو سانتیمتر می رسد. نرمکام به بالا کشیده می شود و به این ترتیب راه عبور هوا از طریق بینی بسته است. تارهای صوتی در موقعیت تولید واک قرار دارند (همان: 96).

این واکه در گویش لمزانی همانند زبان فارسی تولید و تلفظ می شود. همچنین کشش اضافه و کشش جبرانی نیز از واجگونه های این واکه در گویش لمزانی محسوب می شوند.

/ā/ در تقابل با /a/: tāl (سنگ بزرگ) ← tal (خیس)

در مواضع ابتدایی		در مواضع میانی		در مواضع پایانی	
/ʔāli/	سیب زمینی	/Tāl/	سنگ بزرگ	/Sewā/	جدا
/ʔāmi/	عمو	/Bāxāl/	پدرزن	/Telā/	طلا

/i/ای

(پیشین، بسته، گسترده، کشیده و بلند)

هنگام تولید این واکه، قسمت جلوی زبان به طرف سخت کام بالا می‌رود و در فاصله‌ای نسبت به آن قرار می‌گیرد که جریان هوا بتواند بدون تولید سایش عبور کند. نوک زبان آزاد است و معمولاً در پشت دندان‌های پایین قرار می‌گیرد. فاصله‌ی اندک بین دندان‌های بالا و بین سطح زبان و کام، موجب کمی حجم حفره‌ی دهان می‌شود (همان: ۸۷). در گویش لمزانی این واکه همانند فارسی معیار تولید و تلفظ می‌شود.

/i/ در تقابل با /e/gira/ : (گیره) ← gera (مورچه‌ی ریز)

در مواضع ابتدایی		در مواضع میانی		در مواضع پایانی	
/ʔiʃon/	(ایشان)	/Gipā/	(شکمه)	/Li/	(رو، چهره)
/ʔi/	(این)	/Sir/	(شور)	/Pilaki/	(پولک)

/u/ او

(پسین، بسته، گرد و کشیده)

هنگام تولید این واکه، بخش پسین زبان به سوی نرم‌کام افراشته می‌شود و در فاصله‌ای از آن قرار می‌گیرد که جریان هوا بتواند به آزادی عبور نماید. در تولید آن زبان حداکثر ارتفاع را دارد و فاصله‌ی دندان‌های بالا و پایین حدود دو میلیمتر می‌باشد. نرم‌کام در وضعیت بالا قرار گرفته و به این طریق راه عبور هوا از بینی مسدود است. تارهای صوتی در وضعیت تولید واک قرار می‌گیرند، لب‌ها به جلو کشیده می‌شوند و به صورت گرد در می‌آیند (همان: ۹۲).

/u/ در تقابل با /o/ : gur (شیفت، یک نیمه از روز) ← gorr (قبراق، سر پا)

واج /u/ در گویش اصیل و قدیم لمزانی کاربرد امروز را نداشته، بلکه محصول تغییرات و فرآیندهای آوایی از واکه‌های /o/ و /ā/ بوده است:

تبدیل /o/ به /u/ : pol (پل) ← pul ، o-šom (برویم) ← o-šum?

تبدیل /ā/ به /u/ : šām (شام) ← šum ، šomā (شما) ← šomu

آنچه که در بررسی این واکه به دست می‌آید این است که گویشوران قدیمی این گویش در اغلب موارد در مواضع پایانی واژه، /u/ را بدل از /ā/ تلفظ می‌کنند:

xāne (خانه)	←	xuna
zamān (زمان)	←	zamun

harum	←	harām (حرام)
takun	←	takān (تکان)
xeyābun	←	xeyābān (خیابان)
gamun	←	gamān (گمان)
num	←	nām (نام)
mu	←	mā (ما)

/ü/

(پیشین، نیم گرد، بلند)

این واکه از خصیصه‌های واکه‌ای این گویش محسوب می‌شود که در دهه‌های گذشته به واکه ی /i/ و امروزه در بین گویشوران تحصیلکرده به /u/ تبدیل می‌شود. تفاوت مهم این واکه با /u/ در این است که /u/ از قسمت عقب زبان و با گرد شدن لب‌ها تولید و پسین محسوب می‌شود و در مقابل، واکه ی /ü/ با کاسته شدن از میزان گردی لب‌ها، از قسمت جلو زبان تولید می‌شود و واکه‌ای پیشین محسوب می‌شود؛ به همین سبب تبدیل آن به واکه ی پیشین وکشیده ی /i/ در بین گویشوران قدیمی و اصیل، راحت تر و معمول تر بوده است. از آنجایی که این واکه، هنوز در مواردی ممیز معناست ، واکه‌ای مستقل محسوب می‌شود.

/ü/ در تقابل با /u/ : tür (سرگشته) ← tur (تور) ، pül (پول) ← pul (پل)

/ü/ در تقابل با /i/ : sür (شور) ← sir (سیر) ، dür (دور) ← dir (دیر وقت)

این واکه، سابق در جایگاه واکه ی /u/ به کار می‌رفت و گویشوران قدیمی تلفظ /u/ را به این واکه تغییر می‌دادند، در مثال‌های زیر فراوانی این واکه در گویش اصیل لمزانی مشهود است:

zür (زور) ، mür (مور) ، xür (خور) ، gül (فریب) ، tür (سرگشته)

Kür (کور) ، sür (شور) ، gür (گور) ، güšt (گوشت) ، pül (پول)

داده‌های بالا نشان می‌دهد که واکه ی /ü/ در بین گویشوران اصیل موجودیت دارد و در جایگاه /u/ در فارسی معیار، تلفظ می‌شود. این واکه در آغاز و پایان واژه کاربرد ندارد و تنها در بخش میانی آن، به تلفظ در می‌آید. فرآیند حذف از تلفظ پایانی را می‌توان اینگونه نشان داد:

jāri	←	jārü	←	jāru (جارو)
pati	←	patü	←	patu (پتو)
ri	←	rü	←	ru (رو)

šü	←	šü	←	šü (دود)
bu	←	bü	←	bu (بو)

تلفظ این واکه در پایان واکه و هجا، تنها در واژه‌هایی معدود، آن هم بین که‌نسالان مشهود است:

Kü (کوه)، dü (تخته سنگ‌های کوهستانی)، rüxona (رودخانه)

و/نوعی از (آ)

(پسین، گرد، نیم باز)

این واجگونه، نوعی از واکه‌ی ساده‌ی /ā/ محسوب می‌شود که در فرآیند تولید آن لب‌ها گرد است و جایگاه تولید آن قسمت پسین زبان است. حق‌شناس (103:1392) آن را در دسته‌ی واکه‌های نیم باز جای داده است و معتقد است [ɔ] با لب‌های گرد و [ʌ] با لب‌های گسترده تولید می‌شود؛ همچنین درجه‌ی پسین بودن آنها را کمتر از [o.ʏ] می‌داند. در این گویش واجگونه‌ی مذکور در انتهای افعالی واقع می‌شود که قاعدتاً باید مختوم به /o/ باشند، اما به سمت /ā/ گرایش می‌یابد تا حدی که به یکی از واجگونه‌های /ā/ تبدیل می‌شود. در تلفظ بعضی از گویشوران که آمیختگی گویشی نیز دارند، این واجگونه به شکل /u/ به لفظ می‌آید. در گویش اصیل لمزانی واجگونه و/ در پایان افعال متعدی ماضی کاربرد چشمگیری دارد.

کردم	←	mo-kɔ
نهادی	←	ot-nɔ
خوردیم	←	moŋ-xɔ
ریختم	←	om-barenɔ
می‌خواستید	←	še-xatenɔ

4-1-3- واکه‌های کشیده

واکه‌های کشیده یا کشش واکه را می‌توان واجگونه‌ای از واکه‌های ساده دانست. هنگامی که بعد از واکه‌ها، دو همخوان متوالی بیایند، معمولاً همخوان اول که معمولاً چاکنایی است از تلفظ حذف و واکه کشیده می‌شود. واکه‌های کشیده در گویش لمزانی عبارتند از:

/a:/ (کشیده)

فرآیند تولید این واکه همانند واکه‌ی کوتاه /a/ است؛ با این تفاوت که کشش آن بیشتر است. این کشش واکه‌ای زمانی پدید می‌آید که واکه‌ی ساده /a/ در مجاورت /h/ و /ʔ/ باشند همانند:

ka:ri	←	کهره (بزغاله)
na:r	←	نهر
pa:ri	←	پهلو
za:ra	←	زهره
ja:m	←	جمع

این کشش واکه‌ای ممیز معناست:

/a:/ در تقابل با /a:r/ (شهر) ša:r ← (بدی) šar (قلعه) ka:la ← (تاقچه) kala

/e:/ ا (کشیده)

این واکه همانند /e/ ولی با کشش بیشتر تولید می‌شود. هنگامی که بعد از واکه‌ی /e/ یکی همخوان‌های ساکن /y/ و /?/ قرار بگیرد، حذف می‌شود و واکه‌ی /e/ برای جبران این حذف، کشیده تلفظ می‌شود همانند:

ye:r	←	غیر
xe:r	←	خیر
be:lak	←	بیرق
tere:li	←	تریلی
kowe:t	←	کویت

این واکه نیز ممیز معناست:

/e:/ در تقابل با /e:r/ (خیر) xe:r ← (گلو) xer (پیمانه) ke:la ← (شاباش عروسی) kel

/o:/ ا (کشیده)

زمانی که هم خوان‌های ساکن /h/ و /?/ بعد از واکه‌ی /o/ قرار بگیرد، همخوان مذکور حذف می‌شود و برای جبران آن، کشش واکه‌ای پدید می‌آید.

so:bat	←	sohbat (صحبت)
mo:kam	←	mohkam (محکم)
mo:ra	←	mohre (مهره)
lo:ta	←	Laxte (لخته)
po:na	←	Pahnā (پهنا)

این واکه نیز ممیز معناست:

/o:/ در تقابل با /mo:rl/ (مهر) ← mormor (غرولند)

در بسیاری از موارد این کشش واکه به سوی تلفظ واکه ی /o/ گرایش می‌یابد به طوری که تشخیص این دو واکه از هم دشوار می‌نماید نظیر:

kona	←	ko:na	←	kohne (محکم)
to:wit	←	to:wit	←	ta?viz (تعویذ)
son	←	so:n	←	sahn (بشقاب)
mo	←	mo:	←	moh (نخل)

2-4- واکه‌های مرکب

در فرآیند تولید واکه چنانچه «اندام‌های گویایی پیوسته حالت‌های خود را عوض کنند، به شیوه‌ای که در تمام مراحل تولید، لب‌ها، ارتفاع و حالت زبان دچار دستخوش گردد آن واکه را مرکب گویند» (حق‌شناس، 1392: 105)؛ با این تعریف، باید واکه‌ی مرکب را برحسب ساخت آوایی هر زبان یا گویش مشخص کرد. چه اینکه «ممکن است دو جزء پیاپی در زبانی مصوت مرکب و در زبان دیگر دو مصوت یا پیوند مصوت وصامت باشد؛ مثلاً پیوند [ay] در زبان فارسی توالی مصوت وصامت محسوب می‌شود، درحالی که این پیوند در زبان انگلیسی مصوت مرکب به شمار می‌رود.» (مشکوة الدینی، 1393: 25). بنا بر اعتقاد ثمره، تفاوتی که واکه‌ی مرکب با دو واکه‌ی پی‌درپی دارد، این است که مرحله‌ی تولید واکه‌ی مرکبیک جریان پیوسته و تجزیه‌ناپذیر است، اما تولید دو واکه‌ی متوالی، مجزا از یکدیگر صورت می‌گیرد؛ به طوری که می‌توان بین آن دو مکث کرد یا حتی جزء دیگری بین آنها اضافه نمود. مثلاً در فارسی معمولاً بین دو واکه‌ی پهلوی هم، می‌توان یک همزه یا حتی همخوان دیگری حایل قرار داد، چنانکه در /dānā+ i → dānā?i/ یا در /zende+ i → zendegi/. به عبارت دیگر در بین دو واکه‌ی مجاور خلئی است که به وسیله‌ی همزه یا همخوان دیگری پر می‌شود، در صورتی که بین دو جزء واکه‌ی مرکب چنین خلئی وجود ندارد (ثمره، 1392: 48).

در زبان فارسی با توجه به تقسیم‌بندی ثمره به طور کلی شش واکه‌ی مرکب وجود دارد که عبارتند از:

pāy	در	āy/i
xuy	در	uy/i
qayyem	در	ay/i
mey	در	ey/i
xoy	در	Oy
dowr	در	ow/u

«از آنجایی که در هنگام تولید /y/،/w/ هیچ گونه گرفتگی یا تنگی که موجب سایش شود در دستگاه گفتار وجود ندارد و در ضمن تولدی هر دو آوا همراه با ارتعاش تار آواها و نتیجتاً ایجاد واک می باشد، بنابراین دو آوای مورد بحث را از دیدگاه آواشناسی می توان واکه به حساب آورد» (ثمره، ۱۳۹۲: ۹۷)؛ در حالی که «از دیدگاه واج شناسی، پهلوی هم قرار گرفتن دو واکه را هنگامی می توان یک واکه ی مرکب به حساب آورد که دو جزء آن بر روی هم نقش یک واکه ی واحد را ایفا کنند، یعنی جزء دوم از جزء اول آن قابل تجزیه نباشد.» (همان: ۹۹).

با بررسی گویش لمزانی به طور کلی می توان ۶ واکه ی مرکب به دست داد؛ هر چند تمام این واکه ها را از منظر واج شناسی می توان رشته واج هایی مرکب از یک واکه و یک همخوان دانست، اما از دیدگاه واج شناسی واکه ی مرکب به شمار می روند. واکه های مرکب در گویش لمزانی عبارتند از:

آی /ay/

اندام های گفتار طی یک فرآیند پیوسته از موقعیت واکه /ā/ به سوی واکه ی /i/ حرکت می کنند. اندام های سازنده ی آن عقب و جلوی زبان است. حرکت زبان از عقب به جلو و از پایین به بالاست (همان: ۹۷).
در گویش لمزانی بو خلاف فارسی معیار، این واکه تداول اندکی دارد و در بسیاری از مواضع دستخوش تحریف و تبدیل می شود.
در ابتدای بعضی از واژه ها این واکه به لفظ می آید

←	?āyšamma	حاجی شیخ محمد
←	D	
←	fāyka	فائقه
←	bāy	وای و فریاد
←	čāy	چای

در وام واژه ها، این واکه متحول می شود؛ بدین ترتیب که ابتدا به واکه ی /ey/ بدل می شود، سپس واکه ی مرکب به کشش واکه ای منجر می شود.

←	le:n	←	leyn	←	line (صف، ردیف)
←	Pe:p	←	peyp	←	pipe (لوله، شلنگ)
←	le:t	←	leyt	←	light (روشنایی)
←	te:m	←	teym	←	time (زمان، وقت)
←	le:san	←	leysan	←	license (گواهی نامه)

در برخی واژه ها نیز /āy/، بدون کشش واکه ای، به واکه ی مرکب /ey/ یا /ay/ بدل می شود:

ayša?	←	عایشه
jeý	←	جای
teý	←	تای (=یکی)
xayða	←	خاییدن

ای /oy/

حرکت پیوسته‌ی گفتار از جایگاه واکه ی /o/ شروع می‌شود و در حوالی /i/ پایان می‌یابد. عقب زبان تا جایگاه /o/ به طرف نرمکام بالا می‌رود و پس از زبان به طرف جلو کشیده می‌شود، قسمت جلو زبان تا ارتفاع لازم برای واکه ی /i/ به سوی سخت کام بالا می‌رود (همان: 98).

این واکه در گویش لمزانی بسامد بالایی ندارد و تنها در واژه‌های معدودی مشاهده شده است:

oy (به او)

xoy (با، همراه)

koy (کجا)

ای /ay/

حرکت پیوسته‌ی اندام‌های گفتار از موقعیت واگذاری /a/ به سوی واکه ی /i/ صورت می‌پذیرد؛ بدین معنی که جلو زبان از موضع /a/ تا موضع یک /i/ نسبتاً باز بالا می‌رود، حرکت فک از پایین به بالاست و شکل لب از حالت گسترده ی باز به حالت خنثی در می‌آید. نرمکام راه عبور هوا را از طریق بینی می‌بندد و تار آواها در موقعیت تولید واک هستند (همان: 98).

در گویش لمزانی این واکه بسامدی متوسط دارد و همانند فارسی در بسیاری از واژه‌ها نیز به /ey/ بدل می‌شود. از موارد استعمال این واکه، مصادیق زیر را می‌توان مثال زد:

gay	←	گاهی
kay	←	کی
nayma	←	نعیمه
taywa	←	طیبه
?ayð	←	عید
sayða	←	سعیده

در واژه‌هایی مثل حسین، خیر، غیر و... واکه ی /a/ به /e/ بدل می‌شود.

ای /ey/

برای تولید این واکه اندام های گفتار طی یک حرکت پیوسته از موقعیت /e/ به سوی /i/ حرکت می کنند. نقطه ی پایانی این حرکت نقطه ای است بین /e/ و /i/ که بی شک از /e/ بسته تر و از /i/ بازتر است. اندام سازنده ی این واکه جلو زبان است و حرکت زبان از پایین به بالا صورت می گیرد (همان: 98).

در گویش لمزانی این واکه در اکثر موارد جایگزین /ay/ می شود و سپس در مرحله ی آخر به کشش واکه ای می انجامد.

hoseyen (حسین)	←	?ose:n
γeyr (غیر)	←	γe:r
Meyl (میل)	←	me:l
xe:yr (خیر)	←	xe:r
keyl (کیل، میزان)	←	ke:l
seyl	←	se:l

در بعضی از واژه ها نیز با کشش اضافه تلفظ می شود:

عروس	←	be.y
تیهو	←	te.y
کوچک	←	ke.y
هذیان	←	pere.y
نوزاد	←	nine.y

قابل ذکر است این واکه در اجزا و شناسه های فعلی بدون تغییر تلفظ می شود:

می خواهم	←	mey
می خواهی	←	tey
می خواهد	←	šey
آمدی	←	hond-ey
ایستاده است	←	veysaḏa
رانند	←	leynaḏa

/ow/ او

نقطه ی شروع برای این واکه ی مرکب جایگاه تولید /o/ است؛ بدین معنی که عقب زبان در ارتفاعی که برای تولید /o/ لازم است، قرار می گیرد. سپس به سوی نرمکام بالا می رود و به ارتفاعی کمتر از آنچه که برای تولید /a/ ضروری

است، می‌رسد. فک پایین اندکی بالا کشیده می‌شود و لب‌ها از حالت نیمه گرد به حالت گرد در می‌آیند. راه عبور هوا از طریق بینی بسته است و تار آواها در اثرای تولید در حال ارتعاش هستند (همان: 98). در گویش لمزانی نیز این واکه همانند نظیر فارسی آن تولید و تلفظ می‌شود، و از آنجایی که از نظر تبدیلات واجی معمولاً در این گویش واج /b/ و نیز /v/ در محیط بعد از واکه، به واج ناسوده ی /w/ بدل می‌شوند، رشته‌ی آوایی /ow/ به عنوان پرکاربردترین واکه‌ی مرکب در این گویش محسوب می‌شود. در اکثر هجاها و واژه‌هایی که مختوم به /āb/ یا /av/ هستند واکه‌ی مرکب /ow/ نمود پیدا می‌کند:

xow	←	خواب
?aftow	←	آفتاب
pārow	←	فاریاب (پاریاو)
golow	←	گلاب
sorxow	←	سرخاب
dišow	←	دوشاب
tow	←	تب
nowš	←	نبش
fowl	←	خطایورزش
šenow	←	شنا
čow	←	شایعه
kowkow	←	کاکائو

/aw/ آو

برای تولید این واکه، حرکت‌های پیوسته‌ی اندام‌های گفتار از موقعیت /a/ شروع می‌شود و عقب زبان به سوی نرم‌کام افراشته می‌شود. فک پایین به طرف بالا در حرکت است و در حالی که لب‌ها حالت نیمه باز دارند و نرم‌کام راه عبور هوا از بینی را مسدود کرده است این آوا با خصیصه‌ی واکبری تولید می‌شود. این واکه در زبان فارسی معیار وجود ندارد و از ویژگی‌های منحصر به فرد گویش لمزانی و تفاوت آشکار آن با فارسی معیار در تولید واکه‌ی مرکب است. در این گویش هنگامی که واج‌های لبی و دندانی /b/، /v/ و /f/ بعد از واکه‌ی /a/ قرار بگیرند با تبدیل همخوان‌های مذکور به گونه‌ی ناسوده‌ی /w/، واکه‌ی مرکب /aw/ تولید می‌شود:

kaw	←	کبک
-----	---	-----

tawl	←	طبل
sawð	←	سبز
kawr	←	قبر
sawr	←	صبر
kawš	←	کفش
kaw	←	کاه

لازم به ذکر است که در قیاس با فارسی معیار، در گویش لمزانی واکه‌ی مرکب /uy/ وجود ندارد و از آن جایی که با قواعد گویشی ناهماهنگ است، اغلب واژه‌های مختوم به این واکه، به واکه‌ی /ey/ یا شکل متحول شده‌ی آن، بدل می‌شوند:

beyxaš	←	بوی خوش
menesiyā	←	موی سیاه
šenejāhel	←	شوی جوان
le zemeŋ	←	روی زمین
teambār	←	توی انبار

۵- نتیجه‌گیری

در این مقاله انواع واکه‌های گویش لمزانی در تقابل با واکه‌های فارسی معیار بررسی و توصیف گردید. نتایج این بررسی بیانگر این است که واکه‌های گویش لمزانی، همچون زبان فارسی معیار به دو دسته‌ی ساده و مرکب تقسیم می‌شود. واکه‌های ساده به سه نوع: کوتاه، بلند و کشیده دسته‌بندی می‌شوند. در مقابل شش واکه‌ی ساده در فارسی معیار، در این گویش یازده واکه به چشم می‌خورد که حاکی از غنای این گویش در مبحث واجی است. دو واکه‌ی بلند /ü/ و /ɔ/، و نیز سه واکه‌ی کشیده‌ی /a:/، /e:/ و /o:/ از موارد تمایز این گویش با زبان فارسی معیار به شمار می‌رود. واکه‌ی بلند /ü/ گونه‌ی اصیل و قدیمی واکه‌ای است که در فارسی معیار /u/ تلفظ می‌شود؛ بعدها بر اثر تأثیر زبان غالب وبا فرآیند پسین‌شدگی، این واکه در مواضع بسیاری به /u/ بدل گردید. در مبحث واکه‌های مرکب، زبان فارسی دارای شش واکه‌ی /āy/، /uy/، /ay/، /ey/، /oy/ و /ow/ است که در این گویش واکه‌ی مرکب /uy/ کاربرد ندارد. واکه‌ی /oy/ بیشتر جانشین گونه‌ی معیار /uy/ می‌گردد، در مواضعی نیز /uy/ به /ey/ تبدیل می‌شود. واکه‌ی مرکب /aw/ از دیگر ایتتمایزات محسوب می‌شود که در واقع حاصل ناسوده‌شدگی همخوان /b/ در خوشه‌ی /ab/ است و در زبان فارسی این واکه وجود ندارد.

منابع و مأخذ

- باقری، مهری (1392)، *مقدمات زبان شناسی*، چاپ هفدهم، تهران: قطره.
- ثمره، یدالله (1392)، *آواشناسی زبان فارسی (آواها و ساخت آوایی هجا)*، چاپ دهم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حق شناس، علی محمد (1392)، *آواشناسی (فونتیک)*، چاپ چهاردهم، تهران: آگه.
- مدرسی، یحیی (1391)، *درآمدی بر جامعه شناسی زبان*، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مشکوة الدینی، مهدی (1393)، *ساخت آوایی زبان*، چاپ هفتم، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

The Description of the Vowels in Lamzani Dialect and its Comparison with Standard Persian Language

Mohammad SalehArzankar, Zahra Ansari, JavadDehghaniyan

Abstract

Lamazani dialect is the most popular dialect in the central district in Mehran county, which is located in the farnorthern area of BandarLengeh, in the southeast of Bastak and the west of Bandar Khamir. The people in Lamzan and thirteen neighboring villages are the speakers of this dialect. This study examines the phonetic and the morphological features of Lamzani dialect in comparison with the standard Persion language. This article examines and describes the vowelsby using minimal pairs and several morphological examples at the beginning, middle, or end of the word. The results of this study indicate that in addition to the differences in the diphthongs, unlike the standard Persian, which has six monophthongs, this dialect has eleven monophthongs that fall into the three categories: short, longs, and tense.

Key Words

Lamazani dialect, Standard Persian language, Phoneme, Monophthongs, Diphthongs, Tense Vowels

